

نکته :

درباره مقدمه ای که مرحوم بروجردی مطرح کردند باید اشاره کنیم:

در حقیقت آنچه در خارج موجود است (بر فرض که بپذیریم «وجود اندکاکی» - یعنی وجود رابط - در خارج موجود است؛ چراکه این امر در میان فلاسفه مسلم نیست) به صورت «اندکاکی» است. ما در مرحله اول از آن یک مفهوم غیر مستقل و اندکاکیی، أخذ می کنیم و بعد این مفهوم را از خاصیت «اندکاکیت» خلع می کنیم و آن را به صورت مستقل، لحاظ می کنیم؛ پس مفهوم اندکاکی از وجود اندکاکی أخذ می شود و مفهوم مستقل از مفهوم اندکاکی انتزاع می شود (یا به عبارتی از مفهوم اندکاکی به آن مفهوم مستقل منتقل می شویم)

پس: اصلاً تقریر درک مفاهیم مستقل از وجودات اندکاکی که مقدمه فرمایش مرحوم بروجردی بود، ظاهراً کامل نیست.

اما اگر هم مقدمه کلام بروجردی را تغییر دهیم، باز اصل فرمایش ایشان می تواند صحیح باشد. چراکه باز هم می توان گفت معنای حرفی، «مفهوم آن وجود رابط اندکاکی» است و معنای اسمی، همان مفهوم است که از قید «اندکاکیت» تصفیه شده است.

إن قلت : درباره :

- «واجب الوجود» که دارای وجود رابط اندکاکی نیست : در جمله «الله له العلم»
  - در موضوعاتی که در «عالم» نیست : مثل «شریک الباری له الامتناع»
  - در موضوعاتی «اعتباری و ذهنی» : مثل «الركوع في الصلاة واجب» یا «الانسان في الذهن كلي»
- = وجود رابط اندکاکی خارجی نداریم تا از آن مفهوم انتزاع کنیم.

قلنا (در دفاع از مرحوم بروجردی):

ایشان نمی گوید : هر جا حروف استعمال می شوند از وجودات اندکاکی انتزاع می شوند!

بلکه می گوید : اولین بار که انسان می خواست این حروف را انتزاع کند از این نحوه وجودات انتزاع نمود. و البته بعداً می توان این مفهوم را در موارد دیگر - که در وعاء های خاص خود، وجودات مخصوص به خود دارند - استعمال نماید.

کما اینکه اولین بار که انسان مفهوم «آب» را درک می کند وقتی است که اولین بار این مایع را می بیند ولی بعد می تواند در ذهن خود (و در خیال خود) بدون اینکه آبی در خارج باشد، آن را تصور کند.

ان قلت : آیا این کلام با کلام مرحوم اصفهانی تفاوت دارد؟

قلت : به نظر می رسد این کلام با تقریری که ما از کلام مرحوم اصفهانی ارائه کردیم، قابل جمع است؛ بلکه این، بیان



دیگری است از همان مطلب. (البته با توجه به اینکه این دو بزرگوار هم دوره هستند، نمی توان گفت کلام ایشان متخذ از کلام محقق اصفهانی است)

توضیح ذلک : مرحوم اصفهانی می فرمود در عالم خارج، «وجود رابط» داریم که بین وجودات مستقل اسمی ارتباط ایجاد می کرد. در ذهن هم مفهوم، پس از آنکه بین مفاهیم مستقل اسمی، ارتباط ایجاد شد، از آن ربط، مفهومی غیر مستقل انتزاع می شود که همان موضوع له حروف است.. مرحوم بروجردی هم - ضمن اینکه در تشریح انتزاع این مفاهیم غیر مستقل، راه دیگری را می پیماید - می فرماید: در ذهن، آن وجودات اندکاکی (وجود رابط) به صورت مفاهیم «اندکاکی» (غیر مستقل = نسبت = ربط) حاصل می شوند.

پس در خارج بین «زید و دار» نسبت ظرفیت است و به إزای آن در ذهن، به صورت مفهوم غیر مستقل (اندکاکی) حاصل می شود.

پس مرحوم اصفهانی موضوع له «فی» را «مفهوم غیر مستقل نسبت ظرفیه» می داند و مرحوم بروجردی «مفهوم اندکاکی ظرفیت»؛ و این دو به یک معنی است!

### جمع بندی نظریه مرحوم بروجردی

در بیان نظر محقق اصفهانی گفتیم این مبنا «ثبوتاً» صحیح است [هرچند معلوم نیست در همه حروف جاری شود (بلکه برخی حروف، ایجاد می کنند)] ولی برای پذیرش آن، باید بقیه مبانی را نیز بررسی کرد. پس همین سخن را درباره کلام حضرت آیت الله بروجردی <sup>طاب ثراه</sup> هم مطرح می کنیم.

به عبارت دیگر مرحوم اصفهانی می فرمود این مفهوم از «وجود رابط خارجی» انتزاع می شود [و ظاهراً می گویند همین مفهوم حرفی، اگر به صورت مستقل لحاظ شد، مفهوم اسمی «ابتداء» است] پس «مِن» به معنای «مفهوم رابط غیر مستقل ابتداء» است [و نه مطلق مفهوم غیر مستقل رابط، چراکه اگر مطلق این مفهوم را موضوع له حرف بدانند، در این صورت چه فرقی است بین مفهوم «مِن» و مفهوم «الی» و مفهوم «فی»؟] و مرحوم بروجردی هم می فرماید: از همان وجود اندکاکی «ابتداء» [بدون اینکه از تعبیر وجود رابط استفاده کند] «مفهوم اندکاکی ابتداء»، به ذهن می آید. حال آیا این دو مفهوم با هم متفاوت است؟ اینکه مفهوم «غیر مستقل» رابط ابتدائی، به دو مفهوم اسمی قائم است [و در کلام مرحوم بروجردی مورد اشاره نیست] باعث نمی شود که بگوئیم این مفهوم، «مفهوم اندکاکی ابتداء» نیست.



مقدمه :

چنانکه در جلسات ابتدائی بحث از «معنای حرفی» خواندیم، اصولیونی که بعد از «میر سید شریف» بوده اند، می گفتند: وضع در حروف «عام» و موضوع له «خاص» است. ایشان می گفتند حروف وضع شده اند برای «خصوصیات»؛ به این معنی که لفظ «ابتداء» وضع شده برای معنای اسمی و لفظ «من» وضع شده برای ابتداهای خاص و جزئی در خارج.

مرحوم شیخ محمد تقی اصفهانی در ابتداء به این نکته توجه می دهند که: ملاک معنای حرفی، «جزئیت» نیست؛ چراکه اسماء هم می توانند برای «جزئیات» وضع شده باشند (مثل لفظ «زید» که برای جزئی خارجی وضع شده است) بلکه ملاک حرف بودن، دارا بودن «لحاظ آلی» است، کما اینکه ملاک اسم بودن «لحاظ استقلال» است.

«أن الفرق بین المعانی الاسمیة و الحرفیة لیس من جهة عموم الموضوع له فی الأسماء و عدمه فی الحروف حتی تمیز المعانی الحرفیة من المعانی الاسمیة علی القول بوضع الحروف لخصوص الجزئیات کیف و من البین أن جزئیات تلك المفاهیم أيضا أمور مستقلة بالمفهومیة علی نحو مفهوما الكلی فكما أن مطلق الابتداء مفهوم مستقل كذلك الابتداء الخاص و إن افتقرت معرفة خصوصيته إلى ملاحظة متعلقه فإن ذلك لا یخرجه من الاستقلال و صحة الحكم علیه و به بل الفرق بین الأمرین فی کیفیة الملاحظة حیث إن الملحوظ فی المعانی الاسمیة هو ذات المفهوم بنفسه و الملحوظ فی المعانی الحرفیة كونه آلة و مرآة لملاحظة غيرها»<sup>۱</sup>



۱. هدایة المسترشدين؛ ج ۱ ص ۱۸۹